

«بسم الله الرحمن الرحيم»

دروود بر درگاه دادار دانای دادگر، دارندهٔ دین و دانش و دهش. و درود به پیشگاه پیامبران و پیشوایان آسمانی به ویژه پیامبر بزرگ و بُرزشمند اسلام و پردگیان پاک ایشان. ویژه‌تر، درود بر امام زمان، امام زنده و باشنده در میان مردمان جهان.

نخست آفرین بر خداوند هور

خداوند مار و خداوند مور

خداوند ناهید و بهرام و مهر

خداوند این برکشیده سپهر «فردوسی»

زبان شیرین و شکرین پارسی با خُنیای (موسیقی) دل‌انگیز و دل‌آویزش از زیباترین زبانهای زندهٔ جهان است که بهترین سپاس و ستایش از آن، همان است که خداوند جان و جهان فرموده است: «خلق الانسان. علّمه اللّیان (الرحمن ۴/۵۵:۳)». خداوند آدمی را آفرید. به او گفتن آموخت. بر این بنیاد، زبان آفریدهٔ خداست نه دست‌ساز آفریده‌ها. و زبان پارسی نیز دهشی (نعمت) از سوی یزدان کیهان و جهان است که باید آن را پاس داشت و گرامی‌اش نهاد. بدان سان که بایستی نیکش آموخت و به گاه و جاه نیکو به کارش گرفت، تا سپاسی از پروردگار آسمانها و زمین بر داده‌هایش باشد. زبانها دیرنده و دیرمان به مانایی در سرزمینها می‌درخشند، پَن (اما) در درازنای ماهرز (تاریخ) دچار آسیب و آفند (حمله) شده، رسایی و شیوایی و زیبایی خویش را تا آنجا از دست می‌دهند که رو به میرایی می‌کنند. در این میان، فراوان زبانها از نام و یادها رفته و زبانهای کمتری بر پا ایستاده‌اند. زبانهای کهنی که هزاران آموخته و اندوخته را به مانداک (میراث) از فرهود (حقیقت) برده و در همان آئینی (حال) که دارندهٔ فرهنگ دیرینه‌سال سرزمینهای خویش اند، در فراز و فرود ماهرز، به گزند جنگها، رویارویی شهرگانها (تمدن)، کم‌مهری به دانش و فرهنگ زبان، دشواری‌های پدمانی (اقتصادی)، آفند دشمنان و بدخواهان راستی و درستی... فراوان تلخی و تندی می‌بینند و به کاستی و کاهش می‌افتند. هرگز نبایستی از یاد برد که زبان و دین دو پایهٔ بنیادین چیستی (هویت) آدمیان و هویدای (تجلی) کیان سرزمین‌هایند و اگر سرشت و ساختارشان آسیب بیند، از خوی و خرد مردمان کاسته خواهد شد. هیچ دینی بی‌زبان فرود نمی‌آید. دینها از راه زبان، پیام آسمان را به زمین می‌رسانند و اگر چنین داشتهٔ توانمندی، توش و توان از دست بنهد، اندیشه و رفتار اسپهبدان (انسانها) رو به کاهندگی می‌رود. دهه‌های فراوانی است که زبان پارسی در پی درون‌آمد بسیاری از واژگان زبانهای گوناگون آئیرانیک (خارجی) از سُریانی و آرامی و عربی گرفته تا لاتین و انگلیسی و فرانسوی و روسی و مغولی و پرتغالی و آلمانی... آسیب ژرفی دیده است تا بدانجا که زبان گفتاری و نوشتاری پارسی از ۴۵٪ تا ۷۵٪ آمیخته و آعشته به واژگان بیگانه است و در برخی نوشتارهای پُرشناسانه (تخصصی) به ۹۰٪ هم می‌رسد. آری داد و ستد واژگان نیاز هر زبان و فرهنگی است و به بالیدگی و بالندگی آن یاری می‌رساند پَن (اما) نه بدینگونه که بیشتر زبان را در برگیرد. چنین رخدادی دیگر داد و ستد واژگانی نیست، آفند (حمله) واژگانی است که بایستی با آن به رویارویی برخاست. برخی از دین‌ورزان (مؤمنین) می‌پندارند چون که در قرآن کریم نیز داد و ستد زبانی انجام شده است، بودن این شمار از واژگان زبانهای بیگانه در زبان پارسی کنونی رخداد ناشایستی نیست. آئین (در حالی) که به اندک پژوهشی در خواهند یافت که از میان بیش از ۷۶۵۰۰ واژهٔ به کار رفته در دین‌نامهٔ خدا، در بیشترین آمار، تنها ۳۵۰ واژهٔ آن از دیگر زبانهاست و چنین شماری به نیم صدم درصد نیز نمی‌رسد، نه همچون زبان پارسی امروزی که تا ۹۰٪ نیز پذیرای واژگان ناپارسی شده است. بر این بنیاد، هر آن کس که از دست زبان و اندیشه‌اش بر می‌آید بایستی بکوشد و بکاود تا زبان پارسی را از این سرنوشت جانکاه و جانفرسارهایی بخشد. به ویژه دانشگاه و هیئت‌مدستان (حوزه علمیه) که بیشترین توان چنین کاری را

دارند. در این راستا هر گویشور زبان پارسی خود، پژوهنده‌ای باشد که با آشنایی بیشتر با واژگان به کار رفته در زبان، به پالایش زبان پارسی از واژگان ناپارسی دست زند و از گویش مادری و میهنی ایران زمین پاسداری و پادبانی (مراقبت) کند. ایدون باد. ان شاءالله. برای نمونه، در خور پایش (توجه) خواهد بود، اگر به جای چند واژهٔ آنیرانیک پُر کاربرد در دانشگاه، واژگان پارسی، پیشنهاد و پیشکش شود.

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- دکتر: دانشبُد | ۲۶- کلاس، سکشن: هیریت |
| ۲- درس: آموزه | ۲۷- ساعت: سات |
| ۳- ترم: نیمسال | ۲۸- میان ترم: میان نیمسال |
| ۴- پایان ترم: پایان نیمسال | ۲۹- واحد: بخش، آموزه |
| ۵- دقیقه: آن | ۳۰- اُکی: نیک، نیکو، درست، خوب |
| ۶- تأیید: اُستنید | ۳۱- اثبات: اُستوانش |
| ۷- تایپ: نگاشتن | ۳۲- تایم: زروان، هنگام، زمان |
| ۸- کامپیوتر: رایانه | ۳۳- معدل: میانگین |
| ۹- مجازی: انگاری، رایانه‌ای | ۳۴- مشروط: سامه‌بر، سامه‌ای |
| ۱۰- مجموعه: هماک | ۳۵- کمیتهٔ انضباطی: کارگروه سامان |
| ۱۱- عضو: هموند | ۳۶- امتحان: آزمون |
| ۱۲- هیئت علمی: گروه دانشی | ۳۷- شورای اداری: رایزنی دیوانی |
| ۱۳- ریسرچ: جستجو، پژوهش | ۳۸- سعی: تلاش، کوشش |
| ۱۴- مَچ: هماهنگ | ۳۹- ریاضی: مارش، دایگری، رایش |
| ۱۵- چَلنج: چالش | ۴۰- علوم انسانی: دانشهای انگارشی |
| ۱۶- حمله، هجمه: آفند | ۴۱- کمیسیون: نشست، انجمن |
| ۱۷- دفاع: پدافند، پات رزم | ۴۲- علوم پایه: دانشهای پایه |
| ۱۸- مخالف: همیستار | ۴۳- علت: آوند |
| ۱۹- فعال: کُنشگر | ۴۴- امضاء: دَستینه |
| ۲۰- دلیل: شوَند | ۴۵- ریاست: سرپرستی، مَهان، فَرَنشین |
| ۲۱- معاونت: همیاری، دستیاری | ۴۶- حراست: داشتاری، پاسداری |
| ۲۲- ورودی دانشگاه: درگاه دانشگاه | ۴۷- شورای عالی: فَرایزن |
| ۲۳- شورای صنفی: رایزنی رسته‌ای | ۴۸- تجربی: آروینی |
| ۲۴- وبلاگ: تارنوشت | ۴۹- وبسایت: تارنما |
| ۲۵- مسئول: اَبَرمان | ۵۰- مدیر: اَبَرکار |

